



## توازن اقتصادی از دیدگاه اسلام و عملکرد اقتصاد ایران

علی اکبر ناجی میدانی\*

### چکیده:

بر پا داشتن عدالت اقتصادی در جامعه را می توان مهمترین وظیفه و مسئولیت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام محسوب نمود که بر دو پایه زیراستوار است:

(۱) رفع محرومیت و ایجاد رفاه عمومی

(۲) ایجاد توازن در ثروتها و درآمدها.

از نگاه مکتب متعالی اسلام، عدل و عدالت همدوش توحید، رکن معاد، هدف از تشریح نبوت، انگیزه اصلی رسالت پیامبران، فلسفه زعامت و امامت، مقیاس سلامت اجتماعی و یکی از اصول اساسی مکتب اقتصادی اسلام و نیز از مهمترین معیارها و شاخصه های اسلامی بودن اقتصاد یک جامعه محسوب می گردد که به هیچ وجه بر سر آن نمی توان معامله کرد.

در این مقاله، با استفاده از دو شاخص مختلف از شاخص های توزیع درآمد، یعنی ضریب جینی، و نسبت سهم دهک اول درآمدی به دهک دهم، روند نابرابری های درآمدی در ایران اسلامی بررسی و برآن اساس، میزان توفیق نظام اسلامی در برقراری توازن اقتصادی، تحلیل گردیده است. بررسیها حکایت از آن دارد که عدالت توزیعی در ایران، طی سالهای پس از انقلاب بهبود نسبی یافته است، اگرچه در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان، شکاف درآمدی همچنان بسیار بالا است.

## مقدمه:

برپایی عدالت اجتماعی و برقراری توازن و تعادل اقتصادی در جامعه از مهمترین وظایف و مسئولیتهای اقتصادی دولت اسلامی شمرده می شود که برای تحقق این مهم، امکانات و اختیارات فراوانی اعم از امکانات عقیدتی، روانی، مالی و قانونگذاری به دولت اسلامی واگذار گردیده و راهکارهای متعددی اندیشیده شده است.

از نگاه مکتب متعالی اسلام، عدل و عدالت هم‌دوش توحید، رکن معاد، هدف از تشریح نبوت، انگیزه اصلی رسالت پیامبران، فلسفه زعامت و امامت، مقیاس سلامت اجتماعی و یکی از اصول اساسی مکتب اقتصادی اسلام و نیز از مهمترین معیارها و شاخصه های اسلامی بودن اقتصاد یک جامعه محسوب می گردد که به هیچ وجه بر سر آن نمی توان معامله کرد.

بنا به تعریفی که از عدالت اقتصادی ارائه می شود، یکی از ابعاد عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، توازن اقتصادی است. یعنی بنا برآموزه های دین، نباید تفاوتی فاحش بین ذرآمدها و ثروت‌های افراد در جامعه اسلامی وجود داشته باشد. در برقراری این توازن، دولت اسلامی در کنار افراد جامعه، وظیفه و مسئولیتی خطیر بر عهده دارد. البته بسیاری از احکام اولیه اسلام در بسترسازی این توازن، نقش اساسی به عهده دارند. از جمله این احکام می توان به احکام مربوط به ارث، تحریم ربا، کنز و احتکار و نیز تشویق امور خیر خواهانه ای چون وقف، هبه و انقاقات و... اشاره نمود.

در این مقاله، به نقش و اهمیت عدالت در آموزه های دینی و تعریف عدالت و توازن اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام خواهیم پرداخت، سپس با بررسی روند توزیع درآمد در ایران و مقایسه آن با روند جهانی، عملکرد اقتصاد ایران در زمینه توازن اقتصادی را بررسی خواهیم نمود.

## عدالت، محور آموزه های اقتصادی اسلام:

عدالت یک اصل مهم دینی و الهی است که به نص قرآن کریم، یگانه هدف اجتماعی پیامبران الهی و کتابهای آسمانی است، و راز نزول "کتاب" و "میزان"، تحقق یافتن همین هدف بسیار مهم است.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان، ليقوم الناس بالقسط»،<sup>۱</sup> ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

اصل بنیادین "عدالت" در قرآن کریم و سنت اسلامی، اصلی اساسی شمرده شده و رکن بودن آن در احیای دین خدا، به بیانهای گوناگون یادآوری گشته است. همچنین از

<sup>۱</sup> سوره حدید، آیه ۲۵

احادیث و تعالیم دین به خوبی روشن می شود که عامل اصلی زنده ماندن احکام خدا در میان اقشار و توده ها، چیزی جز احیای عدل و اجرای عدالت نیست.

امام علی(ع): العدل حياه الاحكام  
عدالت، مایه زنده بودن دین است.

عدالت از معیارهای دین و از مصادیق رسالت انبیاء و تحقق توحید است. در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت تا امامت و زعامت و از آرمانهای فردی گرفته تا اهداف اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماعی است.<sup>۱</sup>

اهمیت عدالت در جامعه بدان حد است که جامعه را چیزی جز عدالت نمی تواند اصلاح کند و اصلاح اجتماعی بدون برپا داشتن عدالت اجتماعی و اقتصادی پدید نخواهد آمد و تقوی و فضیلت بدون عملی کردن اصل قسط و عدل در میان مردم تحقق نخواهد یافت.

امام علی(ع) می فرماید: الرعيه لا يصلحها الا العدل  
مردم را چیزی جز عدالت اصلاح نمی کند.

پرتو اقتصادی عدالت یعنی عدالت اقتصادی، یکی از پایه های اساسی نظام اقتصادی اسلام، بلکه اصل حاکم در اقتصاد اسلامی است که تلاش برای برپایی آن در جامعه، یکی از وظایف مهم و اصلی دولت اسلامی شمرده می شود.

### تعریف عدالت:

عدالت را به گونه های مختلف تعریف کرده اند که از لحاظ وسعت و محدودیت مفهوم آن و نیز بر حسب فلسفه های نظری مختلف، این تعاریف متفاوت می باشند. برای تعریف عدالت، ابتدا لازم است عدالت را به اقسام آن، همچون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، اخلاقی سیاسی و ... تقسیم کرده و سپس برای هر یک از آنها تعریفی خاص ارائه داد.

در تعریف عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، حق آن است که از منابع اصیل اسلام یعنی کتاب خدا و بیانات و کلام شارحین و مفسران معصوم آن، یعنی ائمه معصومین کمک بگیریم.

امام صادق(ع) می فرماید: ان الناس يستغنون، اذا عدل بينهم<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مرتضی مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۲۷

<sup>۲</sup> حکیمی، الحیاه، ج ۳، ترجمه احمد آرام تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۱

هرگاه عدالت در میان مردمان اجرا شود، بی نیاز خواهند شد (و نیازمندی در جامعه باقی نخواهد ماند).

از امام کاظم (ع) نیز نقل شده است که: لو عدل فی الناس لاستغوا<sup>۱</sup>  
اگر عدالت در میان مردم اجرا شده بود، همه بی نیاز شده بودند.

در این بیانات ملاکی محسوس و ملموس از عدالت ارائه شده است و آن نه تنها رفع فقر و محرومیت بلکه بالاتر، ایجاد غنا و بی نیازی در جامعه است. بنابراین یک پایه عدالت اقتصادی را رفع فقر و محرومیت و ایجاد رفاه عمومی در جامعه می توان دانست. اما پایه دیگر عدالت اقتصادی، رفع شکافهای فاحش در ثروت و درآمد افراد جامعه است که از آن می توان به توازن اقتصادی تعبیر کرد. چنین تعریفی از عدالت را می توان از آیه معروفه حدید، برداشت نمود.

... و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.

در این آیه، قرار گرفتن کلمه "میزان" به معنای ترازو که وسیله ایجاد تعادل است، در کنار کلمه "کتاب" (قران) آشکارا دلیل بر آن است که میان "میزان" و "عدالت" پیوند و معلولی وجود دارد. یعنی بدون تعادل و توازن مالی و معیشتی (در همه سطوح جامعه) هیچ قسط و عدلی وجود نخواهد داشت.<sup>۳</sup>

بنابر این، عدالت اقتصادی را می توان به "رفع فقر و محرومیت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت ها و درآمدها" تعریف نمود. نظام اقتصادی اسلام، تحقق عدالت در عرصه اقتصاد را از دو طریق دنبال می کند: از یک سو به همه افراد جامعه حق می دهد که زندگی متعارف و آبرومندانه انسانی داشته باشند و از سوی دیگر، با اتخاذ احکام و روشهایی در پی متوازن کردن ثروتها و درآمدها است.<sup>۴</sup>

### توازن اقتصادی:

با توجه به پایبندی اسلام به مساله برابری و برادری انسانها، نابرابریهای فاحش درآمد و ثروت با روح اسلام ناسازگار است و دولت اسلامی موظف است به

<sup>۱</sup> محمد رضا، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ج ۵، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۷، ص ۲۷۰

<sup>۲</sup> همانجا

<sup>۳</sup> حکیمی، ج ۳، ص ۲۷

<sup>۴</sup> سید عباس موسویان، جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۲،

عنوان هدفی مهم و اساسی، جلوی اختلاف فاحش درآمدها و ثروتها را گرفته و جامعه را به سوی عدالت و توازن اقتصادی سوق دهد. البته باید توجه داشت که مفهوم عدالت و توازن اقتصادی به معنای پاداش برابر به همگان، بدون توجه به نقش فرد در اقتصاد جامعه نیست. افراد انسانی از جهت کارایی فکری و بدنی با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت، خود به خود سبب می‌شود که بازده اقتصادی سعی و کوشش همه انسانها یکسان نباشد. بنابراین اسلام برخی تفاوتها در درآمد و ثروت را می‌پذیرد، اما از طریق تأمین سطح زندگی انسانی برای همه اعضای جامعه، از راه آموزش صحیح، فراهم ساختن زمینه‌های اشتغال مناسب و تحقق دستمزدهای عادلانه و توزیع مجدد درآمدها و ثروتها از طریق مالیاتهای شرعی و توزیع ثروتهای انباشته شده از طریق نظام ارث اسلامی، تفاوتهای فاحش را از بین می‌برد.<sup>۱</sup> به تعبیر زیبای شهید مطهری، جامعه اسلامی، جامعه تساویها و برابریها و برادریهاست. اما نه تساوی منفی بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی به حساب نیاوردن امتیازات "طبیعی" افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها، برای برقراری برابری. تساوی مثبت یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم، تعلق مکتوبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه.<sup>۲</sup> بنابراین، منظور، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی و نه از جهت درآمد می‌باشد و دولت اسلامی موظف به پیاده کردن توازن جمعی و نزدیک ساختن طبقات مختلف به یکدیگر و افزایش سطح زندگی مردمان کم درآمد است.<sup>۳</sup>

### توازن اقتصادی و عملکرد اقتصاد ایران:

برای بررسی و ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در رابطه با توازن اقتصادی، به عنوان هدفی مهم و موکد در نظام اقتصادی اسلام، ابتدا لازم است شاخصی مناسب برای توازن اقتصادی انتخاب شود. از آنجا که برقراری توازن اقتصادی، مستلزم رفع نابرابریهای فاحش در درآمد و ثروت افراد جامعه می‌باشد، بنابراین می‌توان با بررسی روند زمانی شاخصهای مختلف توزیع درآمد در کشور، عملکرد اقتصاد در زمینه توازن اقتصادی را ارزیابی نمود. بدیهی است روند نزولی شاخصهای نابرابری درآمدی، به معنای گام موفق اقتصاد ایران در محقق ساختن توازن اقتصادی می‌باشد.

### توزیع درآمد در ایران:

در ایران همچون بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، برای بررسی توزیع درآمد از آمارهای هزینه مصرفی به جای درآمد استفاده می‌شود. علت این است که مطالعات درآمد از جامعیت کافی برخوردار نیست، بعلاوه بسیاری از خانوارها به دلیل بیسوادی و یا

<sup>۱</sup> همو، ص ۶۴.

<sup>۲</sup> مرتضی مطهری، جهان بینی توحیدی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۹، ص ۵۴.

<sup>۳</sup> سید محمد باقر صدر، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه اسپهبدی، جهاد سازندگی، ۱۳۶۰، ص ۳۰۱.

کم سوادی درک صحیحی از مفهوم و مصداق درآمد ندارند و بویژه در خانوارهای روستایی که کشاورزی معیشتی شایع است، تبدیل مقادیر معیشتی به ارزش پولی مشکل را دو چندان می‌کند، لذا اندازه گیری درآمد کم درآمدترین طبقه جامعه که اکثراً در بخش روستایی و کشاورزی زندگی می‌کند مشکل است. تفاوت قیمت‌های شهر و روستا نیز باعث می‌شود که درآمد روستاها کم برآورد شود. همچنین طبقات بالای درآمدی نیز به خاطر فرار از پرداخت مالیات از دادن پاسخ صحیح طفره رفته و درآمد خود را بسیار کمتر از آنچه هست، اعلام می‌کنند.

البته در کشورهای جهان سوم، استفاده از داده های توزیع هزینه برای تعیین روند توزیع درآمد، قابل اعتمادتر از داده های توزیع درآمد می باشد. گرچه به اعتقاد برخی از نویسندگان، در کشور ما آمار توزیع هزینه، خصوصاً در دهه اول انقلاب اسلامی، تصویر درستی از وضعیت توزیع درآمد ارائه نمی‌دهد. زیرا دولت با کنترل مصرف و بویژه تأمین حداقل نیازهای مصرفی قشرهای وسیع مردم و نیز ایجاد محدودیتهای اساسی در عرضه پاره ای از کالاهای مصرفی اقبال مرفه تر، الگوی توزیع مصرف را متعادلتر از توزیع مصرف سالهای ۵۱-۵۶ کرده است.<sup>۲</sup>

اندازه گیریهای موجود از توزیع درآمد در ایران جملگی بر مفهوم "توزیع مقداری درآمد"<sup>۳</sup> مبتنی می باشد. یعنی هنگام محاسبه توزیع درآمد، به میزان درآمدی که فرد یا (خانوار) دریافت می‌کند، توجه می‌شود و به ترکیب درآمد که چه میزان آن را دستمزد و حقوق، سود و بهره و اجاره تشکیل می‌دهد، توجهی نمی‌شود. برای اندازه گیری توزیع مقداری درآمد، شاخصهای مختلفی معرفی شده است که مهمترین و معرفت‌ترین آنها، "ضریب جینی" می‌باشد.<sup>۴</sup> اطلاعات حاصل از آمارگیری بوجه خانوار که از سال ۱۳۴۷ تاکنون هر ساله، جز سال ۱۳۶۰ منتشر شده است، در سالهای ۵۵، ۵۷، ۵۹، دارای نقص می باشد که با احتساب سال ۱۳۶۰، شاهد ۴ سال خلاء آماری هستیم. بنابراین، در این سالها شاخصهای توزیع درآمد از جمله ضریب جینی مورد محاسبه قرار نگرفته است.

## روند نابرابری در ایران:

<sup>۱</sup> Hashem Pesaran, Income Distribution Trends in Rural and Urban of Iran, Central Bank of Iran, 1974, P. 2

<sup>۲</sup> حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱

<sup>۳</sup> Size Distribution of Income

<sup>۴</sup> برای آشنایی با انواع شاخصهای نابرابری توزیع درآمد و نقاط ضعف و قوت ضریب جینی و نیز روشهای محاسبه

آن نگاه کنید به: ناجی میدانی، بررسی آثار

متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران (۱۳۴۷ - ۱۳۷۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت

در جدول (۱) مقادیر ضریب جینی کل کشور و نیز نسبت سهم دهک اول (ده درصد پردرآمدترین) به دهک دهم (ده درصد کم درآمدترین)، برای دوره ۱۳۴۷-۱۳۸۰ آمده است. داده های این جدول نشان می دهد که در سالهای قبل از انقلاب یعنی طی سالهای ۱۳۴۷-۱۳۵۶، نابرابری درآمدی به طور کل روندی افزایشی داشته است، به طوری که در سال ۱۳۵۴ ضریب جینی به بالاترین حد در کل دوره یعنی ۰/۵۱۷۳ رسیده است. اما نسبت سهم دهک اول به دهک دهم، از اوج نابرابری در سال ۱۳۵۶ حکایت دارد. در این سال ده درصد بالای جامعه (پردرآمدترین خانوارها) درآمدی نزدیک به ۳۲ برابر ده درصد پایینی جامعه (کم درآمدترین خانوارها) داشته اند. به نظر می رسد افزایش ناگهانی قیمت نفت در سال ۵۲ که از آن به اولین شوک نفتی در جهان تعبیر می شود، آثار توزیعی مخربی را به همراه داشته است.

جدول (۱)، ضریب جینی و نسبت سهم دهک بالا به دهک پایین درآمدی در

ایران

| سال  | ضریب جینی | نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین | سال  | ضریب جینی | نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین |
|------|-----------|--|------|-----------|--|
| ۱۳۴۷ | ۰/۴۷۰۱    | ۲۸/۷۷                                      | ۱۳۶۴ | ۰/۴۵۲     | ۲۴/۹۹                                      |
| ۱۳۴۸ | ۰/۴۴۱۴    | ۲۲/۹۳                                      | ۱۳۶۵ | ۰/۴۶۶     | ۲۹/۷۸                                      |
| ۱۳۴۹ | ۰/۴۷۰۱    | ۲۴/۳۳                                      | ۱۳۶۶ | ۰/۴۴۶     | ۲۳/۱۷                                      |
| ۱۳۵۰ | ۰/۴۴۵     | ۱۷/۲                                       | ۱۳۶۷ | ۰/۴۳۸     | ۲۲/۱۹                                      |
| ۱۳۵۱ | ۰/۴۵۰۴    | ۱۷/۴۵                                      | ۱۳۶۸ | ۰/۴۳۸     | ۲۳/۱۸                                      |
| ۱۳۵۲ | ۰/۵۱۴۹    | ۲۸   | ۱۳۶۹ | ۰/۴۲۹     | ۲۳/۵۱                                      |
| ۱۳۵۳ | ۰/۴۷۲۵    | ۱۹/۴۴                                      | ۱۳۷۰ | ۰/۴۵۶     | ۲۷/۳۱                                      |
| ۱۳۵۴ | ۰/۵۱۷۳    | ۲۶/۶۷                                      | ۱۳۷۱ | ۰/۴۳۵     | ۲۳/۲۱۴                                     |
| ۱۳۵۵ | -         | -  | ۱۳۷۲ | ۰/۴۲۵     | ۲۲/۰۸۳                                     |
| ۱۳۵۶ | ۰/۵۱۴۴    | ۳۱/۹۲                                      | ۱۳۷۳ | ۰/۴۲۴     | ۱۹/۹۷                                      |
| ۱۳۵۷ | -         | -  | ۱۳۷۴ | ۰/۴۲۷     | ۲۰/۵۳۷                                     |
| ۱۳۵۸ | ۰/۵۱۱۹    | ۲۶/۶۷                                      | ۱۳۷۵ | ۰/۴۳      | ۲۰/۲۱۹                                     |
| ۱۳۵۹ | -         | -  | ۱۳۷۶ | ۰/۴۲۲     | ۱۸/۹۳                                      |
| ۱۳۶۰ | -         | -  | ۱۳۷۷ | ۰/۴۳      | ۲۱/۱۹                                      |
| ۱۳۶۱ | ۰/۴۴۱     | ۲۲/۲۲                                      | ۱۳۷۸ | ۰/۴۲      | ۱۹/۳۷                                      |
| ۱۳۶۲ | ۰/۴۵۴     | ۲۵/۵۱                                      | ۱۳۷۹ | ۰/۴۲۴     | -  |
| ۱۳۶۳ | ۰/۴۵۳     | ۲۶/۰۸                                      | ۱۳۸۰ | ۰/۴۲۲     | -  |

منابع: (۱) ناجی میدانی، ۱۳۷۵، ص. ۹۹ و (۲) مجموعه آماري پيوست گزارش اقتصادي سال

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند تغییرات ضریب جینی، حکایت از تحولی مشهود در جهت متعادلتر شدن توزیع درآمدها دارد. مقادیر شاخصهای گزارش شده در جدول نشان می دهد که مردم ایران در دوران پس از انقلاب، بدترین وضعیت درآمدی را در سال ۱۳۶۵ و بهترین وضعیت را در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ شاهد بوده اند. مقدار ضریب جینی در سال ۱۳۶۵،  $۰/۴۶۶$  بوده است که در سال ۱۳۷۸ این رقم به  $۰/۴۲$  کاهش یافته است. در سال ۱۳۶۵، ده درصد پردرآمدترین خانوارهای کشور نزدیک به ۳۰ برابر ده درصد کم درآمدترین خانوارها درآمد داشته اند که این نسبت در سال ۱۳۷۶ به  $۱۸/۹۳$  کاهش یافته است.

به طور کل، با استثناء کردن سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ که در آنها نابرابری درآمدی شدت یافته است، در بقیه سالهای پس از پیروزی انقلاب، روند نزولی و نسبتاً هموار نابرابری، حکایت از بهبود تدریجی توزیع درآمد در کشور دارد.

### توزیع درآمد در جهان:

جدول (۲) وضعیت توزیع درآمد را در چند کشور مختلف جهان بر حسب همان دو شاخص قبل یعنی ضریب جینی و نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین دهک، نشان می دهد که از گزارش "شاخصهای توسعه جهانی سال ۲۰۰۲"، نقل گردیده است. بانک جهانی، این شاخصها را با استفاده از اطلاعات و آمارهای ملی بودجه خانوار، محاسبه نموده است و علیرغم اینکه سعی شده است، حتی الامکان از آمارهای قابل مقایسه و معتبر استفاده گردد، اما این اطلاعات برای برخی کشورها برآمارهای درآمدی و برای برخی دیگر بر هزینه های مصرفی خانوار مبتنی است، که ستون آخر جدول، این وضعیت را نشان می دهد. معمولاً الگوی توزیع درآمد، در مقایسه با توزیع مصرف، نا برابری بیشتری را نشان می دهد، اگرچه، توزیع مصرف، شاخص مناسبتری برای اندازه گیری رفاه در کشورهای در حال توسعه محسوب می گردد.

گرچه روشهای جمع آوری اطلاعات، درجه شمول و تعاریف ویژه درآمد، ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد، ارقام ارائه شده در این جدول، به طور تقریبی وسعت نابرابری در این کشورها را نشان می دهد. از بررسی این جدول نتایج مشخص و جالبی به دست می آید:

۱) در کلیه کشورها، اعم از کم درآمد و ثروتمند درجاتی از نابرابری وجود دارد.

۲) کشورهای سابقاً سوسیالیست مانند اسکوواکی و بلغارستان، دارای بالاترین درجه برابری می باشند.



کشورهای توسعه یافته و ثروتمند، در مقایسه با اکثر کشورهای در حال توسعه (۳) توزیع درآمد نسبتاً عادلانه‌تری دارند. این امر عمدتاً به این دلیل بوده است که اکثر کشورهای پیشرفته، توانسته اند در طول سالها، مکانیسمهای موثرتری را برای انتقال قسمتی از درآمد ثروتمندان به فقرا به وجود آورند. برای مثال نرخهای تصاعدی مالیات بر درآمد همراه با هزینه‌های عمومی، پرداختهای تأمین اجتماعی، حقوق بیکاری، کوپنهای مواد غذایی و سایر پرداختهای رفاهی به افراد بسیار فقیر، روشهایی است که برای معتدل کردن اختلافات وسیع درآمدی، که معمولاً در جریان فعالیت اقتصاد خصوصی به وجود می‌آید، به کار برده می‌شود. چنین مکانیسمهای انتقال درآمدی یا در اکثر کشورهای در حال توسعه موجود نیست و یا به نحو مؤثری عمل نمی‌کند.<sup>۱</sup>

در میان کشورهای ذکر شده در این جدول کشور اسلوواکی با ضریب جینی ۰/۱۹۵ و عادلانه‌ترین و کشورهای سیرالئون

و برزیل با ضرایب جینی ۰/۶۲۹ و ۰/۶۰۷ نابرابرترین توزیع درآمدی را دارا می‌باشند. نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین‌ترین دهک، در اسلوواکی ۳/۶ می‌باشد، در حالی که در سیرالئون و برزیل این نسبت به رقم حیرت آور، ۹۰ و ۷۰ بالغ می‌گردد. در کشورهای OECD، آمریکا و در گروه کشورهای سابقاً سوسیالیست، روسیه بدترین توزیع درآمد را دارند.

در میان کشورهای مختلف جهان، شاخص نابرابری در ایران، رقمی نسبتاً بالاست به طوری که عموم کشورهای پیشرفته OECD و نیز کشورهای سابقاً سوسیالیست و حتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه چون مصر، یمن، پاکستان و مراکش وضعیت عدالت توزیعی بهتر و مناسبتری نسبت به کشور ما دارند. و متأسفانه حتی می‌توان دید که میزان نابرابری درآمدی در ایران، در تمامی سالهای قبل و پس از انقلاب بالاتر از رقم متوسط جهانی ذکر شده در جدول (۰/۴) می‌باشد. مقادیر شاخص دیگر نابرابری، یعنی نسبت سهم درآمد بالاترین به پایین‌ترین دهک برای ایران، در مقایسه با متوسط این شاخص برای ۱۱۷ کشور جهان، (۱۸/۴۲) نیز چنین نتیجه‌گیری را تأیید می‌نماید. یعنی تقریباً در تمامی سالهای مورد بررسی، - باستثناء ۲ سال- نابرابری درآمدی در ایران، شدیدتر از متوسط جهانی آن بوده است.

<sup>۱</sup> مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ج ۱، ترجمه فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰ ص ۲۲۵-۲۲۷

## جدول (۲): وضعیت توزیع درآمد در چند کشور مختلف جهان

| نام کشور                    | سال      | ضریب جینی | سهم ده درصد بالایی (۱) | سهم ده درصد پایینی (۲) | نسبت ۱ به ۲ | نوع توزیع |
|-----------------------------|----------|-----------|------------------------|------------------------|-------------|-----------|
| از گروه OECD:               |          |           |                        |                        |             |           |
| دانمارک                     | ۱۹۹۲     | ۰/۲۴۷     | ۲۰/۵                   | ۳/۶                    | ۵/۶۹        | درآمد     |
| ژاپن                        | ۱۹۹۳     | ۰/۲۴۹     | ۲۱/۷                   | ۴/۸                    | ۴/۵۲        | درآمد     |
| سوئد                        | ۱۹۹۲     | ۰/۲۵      | ۲۰/۱                   | ۳/۷                    | ۵/۴۳        | درآمد     |
| آلمان                       | ۱۹۹۴     | ۰/۳۰      | ۲۳/۷                   | ۳/۳                    | ۷/۱۸        | درآمد     |
| فرانسه                      | ۱۹۹۵     | ۰/۳۲۷     | ۲۵/۱                   | ۲/۸                    | ۸/۹۶        | درآمد     |
| آمریکا                      | ۱۹۹۷     | ۰/۴۰۸     | ۳۰/۵                   | ۱/۸                    | ۱۶/۹۴       | درآمد     |
| از کشورهای سابقا سوسیالیست: |          |           |                        |                        |             |           |
| اسلوواکی                    | ۱۹۹۲     | ۰/۱۹۵     | ۱۸/۲                   | ۵/۱                    | ۳/۵۷        | درآمد     |
| مجارستان                    | ۱۹۹۸     | ۰/۲۴۴     | ۲۰/۵                   | ۴/۱                    | ۵           | هزینه     |
| بلغارستان                   | ۱۹۹۷     | ۰/۲۶۴     | ۲۲/۸                   | ۴/۵                    | ۵/۰۷        | درآمد     |
| کرواسی                      | ۱۹۹۸     | ۰/۲۹      | ۲۳/۳                   | ۳/۷                    | ۶/۳         | درآمد     |
| روسیه                       | ۱۹۹۸     | ۰/۴۸۷     | ۳۸/۷                   | ۱/۷                    | ۲۲/۷۶       | هزینه     |
| از کشورهای آمریکای جنوبی:   |          |           |                        |                        |             |           |
| بولیوی                      | ۱۹۹۹     | ۰/۴۴۷     | ۳۲                     | ۱/۳                    | ۲۴/۶۲       | هزینه     |
| شیلی                        | ۱۹۹۸     | ۰/۵۶۷     | ۴۵/۶                   | ۱/۳                    | ۳۵/۰۸       | درآمد     |
| برزیل                       | ۱۹۹۸     | ۰/۶۰۷     | ۴۸                     | ۰/۷                    | ۶۸/۵۷       | درآمد     |
| دیگر کشورها:                |          |           |                        |                        |             |           |
| مصر                         | ۱۹۹۵     | ۰/۲۸۹     | ۲۵                     | ۴/۴                    | ۵/۶۸        | هزینه     |
| کره جنوبی                   | ۱۹۹۳     | ۰/۳۱۶     | ۲۴/۳                   | ۲/۹                    | ۸/۳۸        | هزینه     |
| پاکستان                     | ۹۶-۹۷    | ۰/۳۱۲     | ۲۷/۶                   | ۴/۱                    | ۶/۷۳        | هزینه     |
| یمن                         | ۱۹۹۸     | ۰/۳۳۴     | ۲۵/۹                   | ۳                      | ۸/۶۳        | هزینه     |
| مراکش                       | ۹۸-۹۹    | ۰/۳۹۵     | ۳۰/۹                   | ۲/۶                    | ۱۱/۸۸       | هزینه     |
| چین                         | ۱۹۹۸     | ۰/۴۰۳     | ۳۰/۴                   | ۲/۴                    | ۱۲/۶۷       | درآمد     |
| ترکیه                       | ۱۹۹۴     | ۰/۴۱۵     | ۳۲/۳                   | ۲/۳                    | ۱۴/۰۴       | هزینه     |
| مالزی                       | ۱۹۹۷     | ۰/۴۹۲     | ۳۸/۴                   | ۱/۷                    | ۲۲/۵۹       | درآمد     |
| سیرالئون                    | ۱۹۸۹     | ۰/۶۲۹     | ۴۳/۶                   | ۰/۵                    | ۸۷/۲        | هزینه     |
| متوسط جهان                  | ۱۱۷ کشور | ۰/۴۰      | -                      | -                      | ۱۸/۴۲       | -         |

Source: 2002 World Development Indicators, Table 2.8

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

تحقق عدالت اقتصادی و برقراری توازن اقتصادی به صورت کاهش نابرابریهای فاحش درآمدی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای اقتصادی دولت، در نظام اقتصادی اسلام شمرده می‌شود. از این نظر متاسفانه اقتصاد ایران عملکرد مثبت و قابل قبولی را نشان نمی‌دهد. اگرچه روند هردو شاخص، یعنی ضریب جینی و نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین‌ترین دهک، حکایت از بهبود نسبی توزیع درآمد در سالهای پس از انقلاب دارد، اما در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان، نابرابری درآمد در ایران بسیار بالاست. عوامل مختلفی چون تصویب قانون ملی کردن بانکها، قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، قانون جدید زمین و برقراری سیستم سهمیه بندی کالاهای اساسی، در کنار الزامهای قانون اساسی در زمینه از بین بردن انحصارهای خصوصی و ممانعت از ورود بخش خصوصی در برخی از فعالیتهای به غایت سود آور و ... را می‌توان از عوامل اصلی بهبود توزیع درآمد خصوصاً در سالهای اولیه پیروزی انقلاب دانست.

بنابراین آمارها حکایت از آن دارد که اقتصاد ایران در رابطه با توازن اقتصادی عملکرد مناسبی نداشته است و فاصله زیادی بین جایگاه کنونی کشور و اهداف عالی توزیعی نظام اقتصادی اسلام، مشاهده می‌شود، و بر مسئولین و سیاستگذاران اقتصادی جامعه است که در جهت نزدیک کردن وضعیت توزیع درآمدی کشور به جایگاه مطلوب آن بکوشند. اگرچه بررسی علت این واگرایی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، مجال دیگری را می‌طلبد، اما با تکیه بر برخی مطالعات و بررسیهای اخیر، می‌توان دریافت که یکی از عوامل مهم تشدید نابرابریهای درآمدی در کشورها در سالهای اخیر، اجرای بی‌محابای سیاستهای آزادسازی، خصوصی سازی، مقررات زدایی و تضعیف نقش حمایتی و بازتوزیعی دولتها می‌باشد، که تحت عنوان جهانی شدن، در شکل نئولیبرال آن، در جای جای جهان در حال انجام است.

استفاده از تجربه دیگرکشورها در این زمینه می‌تواند راهگشای کشور ما باشد، تا ضمن برخورداری از منافع رشد اقتصادی، هدف مهم و اساسی و مورد تاکید نظام اقتصادی اسلام، یعنی عدالت توزیعی و توازن اقتصادی قربانی نگردد.

<sup>1</sup> Giovanni A. Cornia, Liberalization, Globalization, and Income Distribution, WIDER,

## منابع و ماخذ:

- ۱) حکیمی، الحیاء، ج ۳، ترجمه احمد آرام تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵
- ۲) حکیمی، الحیاء، ج ۵، ترجمه احمد آرام تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷
- ۱) تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ج ۱، ترجمه فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰
- ۲) سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مجموعه آماری پیوست گزارش اقتصادی ۱۳۸۰، ۱۳۷۹
- ۳) صدر، محمد باقر، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه اسپهبدی، جهاد سازندگی، ۱۳۶۰
- ۴) عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱
- ۵) مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۶) -----، جهان بینی توحیدی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۹
- ۷) موسویان، عباس، جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۲
- ۸) ناجی، علی اکبر، بررسی آثار متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران (۱۳۴۷ - ۱۳۷۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵
- 9) Cornia, Giovanni A., Liberalization, Globalization, and Income Distribution, WIDER, WP/157, 1999
- 10) Pesaran, Hashem, Income Distribution Trends in Rural and Urban of Iran, Central Bank of Iran, 1974
- 11) World Bank, '20 World Bank, 2002 World Development Indicators 02 World Development Indicators